

اخبار

«باشو غریبه کوچک» راهی مونیخ می‌شود



چهل و سومین جشنواره فیلم مونیخ میزبان نمایش چند فیلم از جمله نسخه مرمت شده فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی خواهد بود.

به گزارش ایسنا، نسخه مرمت شده فیلم سینمایی «باشو، غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی در چهل و سومین جشنواره فیلم مونیخ در کشور آلمان به نمایش گذاشته می‌شود.

این نسخه از ساخته بهرام بیضایی برای نخستین بار سال گذشته در بخش کلاسیک جشنواره ونیز رونمایی شده بود.

سوسن تسلیمی، پرویز پورحسینی و عدنان عفروایان در نقش «باشو» از جمله بازیگران این محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند.

در خلاصه داستان فیلم آمده است: در یک بمباران پسرکی به نام باشو که ویرانی خانه و خانواده‌اش را به چشم دیده، خود را پشت یک ماشین باری می‌اندازد و خوابش می‌برد و هنگامی که چشم می‌گشاید به جنگلی در شمال ایران رسیده است. او از ترس انفعال‌های عملیات راه‌سازی می‌گریزد و در آن سوی بییشه به شالیزار زنی به نام نایی می‌رسد که با دو فرزند خردسال و در غیاب شوهرش زندگی و کار می‌کند. نایی به باشو نان و آب می‌دهد و می‌کوشد بداند کیست و زیانش را بفهمد، اما زبان پسرک برای او قابل فهم نیست…

همچنین (لالایی های ختالی پردازانه» ساخته ترکمن زین احسان نور تقانی در اولین نمایش جهانی و «شب و روز ویرجینیا ولف» ساخته تینا غروی محصول انگلستان، آلمان و آمریکا؛ فیلم تجربی «فیلدهد» ساخته ترگس کلهر محصول آلمان و فیلم کوتاه «پیدار شدن در سکوت» ساخته دنیال قاضی اسدی و میلا ژولونکو محصول لوکراین و آلمان در جشنواره مونیخ به روی پرده خواهند رفت.

چهل و سومین جشنواره فیلم مونیخ از ۲۶ ژوئن تا ۵ جولای (۵ تا ۱۴ تیر) در آلمان برگزار خواهد شد.

مهرانه مهین‌ترابی بعد از ۲۳ سال روی صحنه تئاتر می‌آید



مهرانه مهین‌ترابی پس از ۲۳ سال دوری از تئاتر، با ایفای نقش در نمایش «برای فروش» به کارگردانی علی تصدیقی بار دیگر به صحنه بازمی‌گردد.

به گزارش مهر به نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه، مهرانه مهین‌ترابی که آخرین بار در تابستان سال ۱۳۸۳ با نمایش «در صفر بصر نمی‌یارد» به کارگردانی علی رفیعی روی صحنه تئاتر رفته بود، پس از ۲۳ سال در نمایش «برای فروش» به کارگردانی علی تصدیقی ایفای نقش می‌کند. وی که دانش‌آموخته بازیگری و کارگردانی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است، نخستین بار در سال ۱۳۵۶ با نمایش درمخاطب «تله» به نویسندگی محسن یلفانی و کارگردانی دینا روی صحنه رفت و پس از آن وارد سینما و تلویزیون شد. مهین‌ترابی در آثار متعددی از جمله فیلم‌های «دادستان»، «نور فروش»، «برگ برنده»، «آتش بس ۱۰۲»، «سور و سریال‌های «ژانسی دوستی»، «داستان یک شهر»، «نرگس»، «صاحب‌دلان»، «شمس‌العماره»، «زمنانه» و «چچهای نسبتا بد»، «در مسیر زاینده‌رود» و «آتم» بازی کرد و با نقش آفرینی در مجموعه‌های «مسمران» و «خانه سبز» به محبوبیت رسید. نمایشنامه «برای فروش» در اسفند خیرآبادی نوشته، مجری طرح این مینیم میوزایی و مشاور رسانه‌ای این نمایش مریم قربانی‌نیا است. نمایش «برای فروش» از اوایل تیر در بلک‌باکس باغ کتاب این صحنه می‌رود و علاقه‌مندان می‌توانند بلیت این نمایش پول را سایت نیوال تهیه کنند. سایر بازیگران و عوامل این نمایش به‌زودی معرفی می‌شوند.

پرده‌کشی سنتی است که در آن پرده‌های بزرگ نقاشی‌شده با مضامین عاشورایی در معرض دید مردم قرار می‌گرفت و پرده‌خوانان داستان کرپلا را با تکیه بر تصاویر روایت می‌کردند. پژوهشگران هنرهای سنتی معتقدند پرده‌کشی را باید یکی از شاخه‌های مهم نقاشی مردمی ایران دانست.

به گزارش ایسنا، پرده‌های عاشورایی را می‌توان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های هنر مردمی ایران دانست. این آثار معمولاً روی پارچه یا پوم‌های بزرگ نقاشی می‌شدند و مجموعه‌ای از روایت‌های کرپلا را در یک قاب به نمایش می‌گذاشتند. پرده‌خوانان در برابر این آثار می‌ایستادند و با اشاره به تصاویر، داستان حرکت امام حسین(ع)، نبرد عاشورا، شهادت یاران و حوادث پس از آن را برای مردم روایت می‌کردند. در واقع، پیش از گسترش رسانه‌های مدرن، پرده‌های عاشورایی یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال روایت‌های مذهبی به شمار می‌رفتند.

بسیاری از پرده‌های عاشورایی در سنت نقاشی قهوه‌خانه‌ای خلق شدند؛ جریانی هنری که از اواخر دوره قاجار رونق یافت و به دلیل ارتباط مستقیم با مردم، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ عامه پیدا کرد. در این شیوه، هنرمندان به جای پرداختن به موضوعات درباری، سراغ داستان‌های مذهبی، حماسی و ملی می‌رفتند و آثار خود را برای نمایش عمومی خلق می‌کردند. عاشورا یکی از مهم‌ترین موضوعات این نقاشی‌ها بود و بسیاری از پرده‌های مشهور با محوریت واقعه کرپلا شکل گرفتند. نام‌هایی چون حسین قولر آقاسی و محمد مدیر در میان برجسته‌ترین هنرمندان این عرصه قرار دارند. آثار این هنرمندان نه تنها در حافظه فرهنگی ایرانیان ماندگار شده، بلکه امروزه در موزه‌ها و مجموعه‌های هنری نیز نگهداری می‌شود.

در روزگاری که کتاب، روزنامه و ابزارهای تصویری در دسترس عموم نبود، پرده‌های عاشورایی نقشی فراتر از یک اثر هنری داشتند. آنها وسیله آموزش، روایت و انتقال مفاهیم دینی بودند. پرده‌خوان با کمک تصاویر، داستان را برای مخاطبانی روایت می‌کرد که بسیاری از آنها امکان مطالعه متون تاریخی یا مذهبی را نداشتند. از همین رو، پرده‌ها بخشی از نظام ارتباطی و فرهنگی جامعه محسوب می‌شدند.

پژوهشگران هنرهای آیینی معتقدند که پرده‌خوانی در پیوند با نقالی مذهبی شکل گرفت و به تدریج به یکی از مهم‌ترین شیوه‌های روایت واقعه عاشورا در میان مردم تبدیل شد.

اما چرا پرده‌های عاشورایی از میان مردم فاصله گرفتند؟

با گسترش رسانه‌های جدید، تلویزیون، سینما، چاپ دیجیتال و تولید انبوه تصاویر مذهبی، کارکرد سنتی پرده‌های عاشورایی به تدریج کم‌رنگ شد. سفرهای دیدندگان سنتی این آثار که عمدتاً تکایا، حسینیه‌ها و قهوه‌خانه‌ها بودند، کمتر به سراغ پرده‌های

هنری که دیگر در تکایا، حسینیه‌ها و قهوه‌خانه‌های ایران حضور ندارد

«پرده‌کشی» در فراموشی

در میان آیین‌های محرم، برخی سنت‌ها یا صدا شناخته می‌شوند همچون توجه‌خوانی و تعزیه، برخی دیگر با حرکت، مانند نخل‌گردانی و دسته‌های عزاداری، اما سنتی وجود دارد که روایت واقعه عاشورا را از طریق تصویر به مخاطب منتقل می‌کند؛ هنری که سال‌ها در میدان‌ها، تکایا، حسینیه‌ها و قهوه‌خانه‌های ایران حضور داشت و امروز کمتر از گذشته دیده می‌شود؛ هنر «پرده‌کشی».



نشانی از کارشناسان میراث فرهنگی معتقدند که حفظات ک پرده‌های عاشورایی نباید تنها به نگهداری فیزیکی آن‌ها محدود شود. آنچه بیش از همه اهمیت دارد، حفظ دانش و مهارت‌های مرتبط با خلق این آثار و همچنین احیای سنت‌های نمایشی وابسته به آن‌هاست؛ زیرا پرده‌ای که برای روایت خلق شده، زمانی معنا پیدا می‌کند که روایت نیز در کنار آن زنده باشد.

امروز پرده‌های عاشورایی در نقطه‌ای حساس از تاریخ ساتت یک پرده عاشورایی فرایندی زمان‌بر و تخصصی بود. هنرمند ابتدا طرح کلی صحنه‌ها را آماده می‌کرد و سپس ده‌ها شخصیت، نماد و روایت را در کنار یکدیگر قرار می‌داد. رنگ‌های تند، چهره‌های اغراق‌شده، اسب‌ها، پرچم‌ها و صحنه‌های نبرد از عناصر ثابت این آثار بودند. در بسیاری از پرده‌ها، ترکیب‌بندی به گونه‌ای انجام می‌شد که مخاطب بتواند چندین روایت را به صورت همزمان دنبال کند.

شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که آیا پرده‌های عاشورایی تنها به اثبایی برای نمایش در موزه‌ها تبدیل خواهند شد یا می‌توان بار دیگر آنها را به متن زندگی فرهنگی جامعه بازگرداند؟ پاسخ به این پرسش، نه فقط برای تاریخ هنر، بلکه برای آن بخشی از میراث عاشورایی ایران اهمیت دارد؛ میراثی که قرن‌ها روایت کرپلا را بر تار و پود پارچه نقش زده و در حافظه جمعی ایرانیان ماندگار کرده است.

نشانی از کارشناسان میراث فرهنگی معتقدند که حفظات هنر اهمیت دارند.

پرده‌های عاشورایی صرفاً آثار نقاشی نیستند. آن‌ها بخشی از یک منظومه فرهنگی بزرگ‌تر شامل نقالی، پرده‌خوانی، تعزیه، آیین‌های مذهبی و هنرهای مردمی ایران هستند. ارزش این آثار تنها در رنگ و ترکیب‌بندی آنها خلاصه نمی‌شود، بلکه در پیوندی است که میان هنر و حافظه جمعی جامعه ایجاد کرده‌اند.

ساخت یک پرده عاشورایی فرایندی زمان‌بر و تخصصی بود. هنرمند ابتدا طرح کلی صحنه‌ها را آماده می‌کرد و سپس ده‌ها شخصیت، نماد و روایت را در کنار یکدیگر قرار می‌داد. رنگ‌های تند، چهره‌های اغراق‌شده، اسب‌ها، پرچم‌ها و صحنه‌های نبرد از عناصر ثابت این آثار بودند. در بسیاری از پرده‌ها، ترکیب‌بندی به گونه‌ای انجام می‌شد که مخاطب بتواند چندین روایت را به صورت همزمان دنبال کند.

در کنار ارزش‌های هنری، پرده‌های عاشورایی از منظر صنایع دستی نیز اهمیت دارند. این آثار روی پارچه اجزا می‌کرد و آماده‌سازی پارچه، دوخت، قاب‌بندی و نگهداری آن‌ها نیازمند مهارت‌های مختلفی بود. به همین دلیل «پرده‌کشی» را می‌توان نقطه تلاقی هنرهای تجسمی، هنرهای سنتی و آیین‌های مذهبی دانست.

خانه ظل‌السلطان یا دفتر کار استاندار؟



مکان اداری یا تلاش برای ترمیم ساختمان استانداری، دو بنای تاریخی شهر که کاربری موزه داشتند را به محل کار خود تبدیل کند.

حالا استانداری اصفهان به جای ابراز ندامت از چنین اقدام غیرمعمول و غیرکارشناسی، مدعی است که مرمت سریع این دو بنای تاریخی مرهون تصمیم آنها برای انتقال دفتر و دستکشان به این اماکم است؛ از عجایب روزگار است که شهری مانند اصفهان، به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای تاریخی و گردشگری خاورمیانه، به جایی رسیده که استاندار برای مرمت نسبی دو بنای تاریخی آن باید منت هم بر سر مردم بگذارد که اگر تصرف عدوانی ما نبویم، این بناها مرمت نمی‌شد! در اینجا دو خط‌خا رده داده است؛ نخست، استفاده از یک بنای تاریخی به عنوان دفتر کار اداری و دوم، از کار انداختن دو موزه شهر که مشخص نیست چه زمانی دوباره به چرخه بازخواهند گشت.

از سوی دیگر، زیر ساختمان رکیب‌خانه، مخزن و گنجینه‌ای قرار دارد که مشخص نیست وضعیت آن در زمان حضور استاندار چگونه خواهد بود. اخیراً تصویری از استاندار در عمارت رکیب‌خانه منتشر شده که نشان می‌دهد جمالی‌نژاد دفتر کار جدید خود را در این مکان افتتاح کرده است. این حجم از بی‌توجهی به میراث فرهنگی در شرایط رخ می‌دهد که به گفته برخی کارشناسان، خط دو متروی اصفهان نیز با دستور همین استاندار، در حال رقم زدن تخریب بخش دیگری از آثار تاریخی این شهر است.

پس از پیگیری‌های متعدد از مسئولان اصفهان، جمالی‌نژاد استاندار، خسروی معاون استاندار و مشکلائی، مدیر روابط عمومی استانداری، پاسخی در این رابطه ارائه نکردند.

دفتر دارایی، معاون وزیر میراث فرهنگی نیز تنها پاسخش توصیه به

میراث تاریخی اصفهان از موشک جان سالم برد، از مقامات سیاسی نه!

این روزها خانه ظل‌السلطان یا همان عمارت رکیب‌خانه، به جای آنکه به روی گردشگران باز شود، میزبان دفتر کار استاندار شده است.

به گزارش رویداد۲۴، عمارت رکیب‌خانه یا خانه ظل‌السلطان، یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی اصفهان است؛ نام ظل‌السلطان برای اصفهانی‌ها فقط نام یک شاهزاده نیست؛ معروف است که او یکی از بزرگ‌ترین ویرانگران میراث تاریخی این شهر بود. حاکمی که ده‌ها باغ، کاخ و بنای صفوی را تخریب کرد؛ از آینه‌خانه و نمکدان گرفته تا بخش‌هایی از هفت‌دست و باغ سعادت‌آباد، تنها برای آنکه نشانی از شکوه صفویان باقی‌نماند روایت‌هایی که البته سویی دیگری هم دارند. حالا بیش از یک قرن بعد، خانه همان مردی که مთهم به تخریب اصفهان بود، محل کار یک مدیر کل جدید شده است. انگار تاریخ در اصفهان عادت دارد خودش را تکرار کند.

ظهر ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ بود. مردم در میدان نقش جهان جمع شده بودند و جمعی برای حمایت از رزمندگان برگزار شده بود. در همین حین، ناگهان صدای انفجاری زمین تمام آن منطقه تاریخی را تحت تأثیر قرار داد. ساختمان استانداری اصفهان هدف حمله دشمن قرار گرفت. خوشبختانه این حادثه تلفات انسانی نداشت، اما ساختمان استانداری و ۱۱ بنای تاریخی دچار آسیب شدند.

ساختمان اصلی استانداری تا حد زیادی تخریب شد و حتی از روی ظاهر آن هم مشخص است که بازسازی‌اش زمان زیادی خواهد برد. تالار شرف، چهل‌ستون، عمارت رکیب‌خانه، موزه هنرهای معاصر و چند بنای دیگر بخشی از این آسیب‌ها بودند.

در فرای آن روز، استاندار دیگر محلی برای برگزاری جلسات خود نداشت. آدرس‌های مختلفی در میان مردم زمزمه می‌شد و هر کس می‌گفت استاندار را در جایی دیده است، اما در نهایت مشخص نشد او روزهای نخست پس از حمله را کجا سپری می‌کند.

پس از چند روز، با همکاری اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان و مدیرکل غیراصفهانی آن، امیر کرمزاده، گروهی وارد دو عمارت رکیب‌خانه (خانه ظل‌السلطان و موزه هنرهای تزئینی) و موزه هنرهای معاصر شدند؛ گروهی که مأموریتشان مرمت این دو بنا و آماده کردن آن‌ها برای استقرار استانداری بود.

گروه مرمت‌گر صرفاً با نگاه میراثی و در راستای رسالت تاریخی خود اقدام به بازسازی این بناها کرده بود، اما مهمانان جدید نگاه متفاوتی به این فرآیند داشتند. استاندار تصمیم گرفته بود به جای استقرار در یک

فرهنگ و هنر

خبر

پنج موزه و هفت بنای تاریخی فارس در انتظار سرمایه‌گذار خصوصی



تفویض اختیار ماده ۲۷ قانون ساماندهی طرح‌های تملک دارایی به استان فارس، زمینه واگذاری ۱۲ پروژه میراثی را به بخش خصوصی فراهم کرده است؛ پنج موزه نیمه‌تمام و هفت بنای تاریخی در شیراز و شهرستان‌ها، با هدف مرمت، احیا و بهره‌برداری پایدار، در اولویت این واگذاری قرار گرفته‌اند.

به گزارش ایرنا، فروردین‌ماه ۱۴۰۵ بود که وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، اختیار واگذاری بناها و پروژه‌های میراثی به بخش خصوصی را بر اساس ماده ۲۷ آیین‌نامه ساماندهی و واگذاری طرح‌های تملک دارایی- به استان فارس تفویض کرد؛ این تصمیم که تنها برای این استان اتخاذ شده، فارس را در موقعیتی ارزشمند برای ساماندهی به سرمایه‌های تاریخی‌اش و نیز سرانجام‌بخشی به پروژه‌های بر زمین‌مانده قرار داده است. بر اساس این ماده قانونی، امکان واگذاری برخی ابنیه و طرح‌های میراثی به سرمایه‌گذاران خصوصی فراهم می‌شود تا آنان با رعایت ضوابط مشخص، به مرمت، احیا و ساماندهی بناها بپردازند و در مقابل، برای دوره‌ای معین از بهره‌برداری آن‌ها یا کاربری مصوب، منتفع شوند؛

پس از این تفویض اختیار، استفاده از ظرفیت ماده ۲۷ در فارس جدی‌تر دنبال شد و فهرستی از پروژه‌های نیمه‌تمام و بناهای تاریخی، برای واگذاری به بخش غیردولتی تعیین گردید. معاون میراث فرهنگی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فارس، در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا، فهرست اولویت‌های واگذاری را تشریح کرد که در میان آن‌ها، نام پنج موزه به چشم می‌خورد. صادق زارع با اشاره به جزئیات این پروژه‌ها گفت: ضلع جنوب شرقی باغ موزه مشاهیر که شامل پارکینگ و بازارچه صنایع دستی است، برای تکمیل و بهره‌برداری در دستور کار قرار دارد؛ همچنین بخشی از موزه منطقه‌ای، موزه بوناته، موزه آباده و موزه پاسارگاد نیز از دیگر پروژه‌های موزه‌ای هستند که مقرر شده از طریق

مشارکت بخش خصوصی و در قالب ماده ۲۷، تکمیل شوند. به گفته وی، در فرآیند واگذاری این پروژه‌ها، تعریف کاربری‌های هم‌شان با ابنیه تاریخی ضروری است؛ از این رو، طراحی فضاهایی همچون گالری‌های هنری، غرفه‌های صنایع دستی یا کافه‌ها، در کنار موزه‌ها، به عنوان راهکاری برای تامین انتفاع مالی سرمایه‌گذاران در نظر گرفته شده است. معاون میراث فرهنگی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فارس همچنین تأکید کرد که طرح موزه پاسارگاد به دلیل واقع شدن در عرصه و حریم میراث جهانی، نیازمند

بررسی‌های کارشناسی دقیق‌تری است.

زارع با اشاره به بهره‌گیری از فرصت تفویض اختیار ماده ۲۷، افزود: برخی بناهای تحت مالکیت اداره‌کل میراث فرهنگی فارس، توسط سرمایه‌گذاران بخش خصوصی مرمت و احیا می‌شوند و در مقابل، آن‌ها مجوز بهره‌برداری از این بناها را با کاربری تعیین‌شده دریافت خواهند کرد؛ بر این اساس، باغ نو و خانه‌های تاریخی عطروش، اتئی‌عشری، تولایی، عابدی، صالحی و علمدار، در اولویت واگذاری به بخش خصوصی قرار گرفته‌اند.

وی با تأکید بر لزوم تعریف کاربری‌های شایسته برای این وجود زمزمه‌هایی از سوی نزدیکان استانداری شنیده می‌شود

به گفته فصیحی؛ «این دو موزه به خاطر شرایط جنگی تعطیل شدند و اگر استاندار نبود هم آنجا تعطیل بود. استاندار در کوتاه‌ترین زمان ممکن آنجا را مرمت کرده است!» او می‌گوید: بعد از بازسازی مکان قبلی هم به آنجا بازمی‌گردند. اما هنوز به آقای استاندار می‌بینیم در کوتاه‌ترین زمان ممکن آنجا بازسازی می‌شود و موزه هم دوباره به کاربری قبل برمی‌گردد. ما موزه را بهتر از قبل مرمت می‌کنیم. فعلاً یک بخش‌هایی از استانداری به این مکان می‌روند.

بنای تاریخی قرار دارد. مگر در اصفهان ساختمان اداری مناسبی برای استاندار وجود نداشت؟ یک منبع آگاه در استانداری در توجیه تصرف اماکن تاریخی برای کاربری اداری مدعی شد که در زمان غلامحسین کرباسچی نیز این دو بنا محل استقرار استانداری اصفهان بوده است.

پاسخ غلامحسین کرباسچی به این توجیه ساده و کوتاه بود:

روز ۲۴ خرداد یک نشست خبری با حضور استاندار اصفهان برگزار شد که باوجود پیگیری‌ها خبرنگار رویداد۲۴ به این نشست دعوت نشد. اقدامی که به وضوح نشان می‌دهد استاندار محترم تاریخی ترین شهر ایران، قصد پاسختگویی به افکار عمومی و دلسوزان میراث فرهنگی و تاریخی کشور را ندارد.

کاهش ۶۳ درصدی مخاطب و افت ۴۰ درصدی فروش در مقایسه خرداد سال گذشته

سینمای ایران؛ هر سال دریغ از پانسال



۱.۴۴۸ میلیون نفر مخاطب خرداد ۱۴۰۴ کاهش ۶۳٫۱ درصدی قابل مشاهده است. هر دوی این اعداد حکایت از افت سینمای ایران هم در فروش و هم در تعداد تماشاگران در خرداد امسال به نسبت خرداد سال گذشته دارد.

بازه زمانی	فروش (تومان)	مخاطب
خرداد ۱۴۰۴	۱۱۵ میلیارد و ۷۵۱ میلیون	یک میلیون و ۴۴۸ هزار و ۴۲ نفر
خرداد ۱۴۰۵	۶۹ میلیارد و ۹۵۱ میلیون	۵۳۴ هزار و ۵۳ نفر

از مقایسه فروش ۶۹.۹۵ میلیارد تومانی در خرداد ۱۴۰۵ در برابر فروش ۱۱۵.۷۵ میلیارد تومانی در خرداد ۱۴۰۴ می‌توان به کاهش ۳۹.۶ درصدی در فروش رسید. همچنین با مقایسه ۵۳۴ هزار نفر مخاطب خرداد ۱۴۰۵ در برابر